

دوست عمر خانم امین آسائین

با سلام گرم و بسیار مکرر از سخنان پر مهر که در باره <sup>۱۴</sup> ترجمه لغت آید، سپاسهای خوارم که در این نامه <sup>۹</sup> مسایح  
می فرستم. فقط بگویم مجدد بگویم که در فروردین رسید. تصور می کنم بیجاست اگر چند نکته زیر را یادآور شوم:

۱- خروج من از ~~اصطک~~ در سال ۱۳۲۹ بود نه ۱۳۳۵. و ایران را ترک نکردم

۲- جمله " ~~مستطاب~~ چندگزیده اشعار شوالی فارسی را به روسی برگرداندم " حیدان درست نیست. چون  
من اشعار معاصران را فقط آنجا بی هم کردم و سر از ترجمه به سواد آن روسی زبان می کردم. گاهی به آنها تک تک می گفتم  
که ترجمه درست نیست و باید با من خودم به روسی شو گفتند ام. بلکه آن زبان و نیز آن زبان که زبان میخانه اشعار  
به فارسی ترجمه کرده ام، که مجبوم " هر گاهی بگویم دارد " نمونه از آن است.

۳- جمله " ما ترجمه به آنکه در روسیه ۱۵ زبان رسم وجود دارد " با گفته من فرق دارد که گفتم علاوه  
بر این که در اتحاد شوروی ۱۵ جمهوری با زبان گوناگونی آنها است. در آن گزیده ۷ زبان ~~گوناگون~~ نیز است.  
و روزنامه ادبیات وجود دارد که غالباً آنجا که به روسی برگردانده شده است به آن زبان ترجمه کرده اند.

۴- چون سخن از سادگی زبان شد به میان آمده (البته ~~تلفظ~~ ساده لوحانه بودن لغت) و  
چون باید ذکر گویند و کنار پیرو جوان نظر مرا در پیروان شو می پرسند، مختصر نوشته ام را که در دسترس است  
برای آن می فرستم، تا اگر خواهد که همراه این نامه چاپ کنند و لطفاً برایم بفرستند.

در میان ما خوارم بگویم که ماد دیدار صمیمانه شو، برام محطرت و نماند که امید دارم هرگز نبود.  
با ارزوی موفقیت <sup>شما</sup> " زن ایران " و البته زانی ایران مالک.

لندن یکم ژوئن ۱۹۹۰